

مجموعه داستانهای فارسی: ۲۶

نثر به نثار گوهر افشان

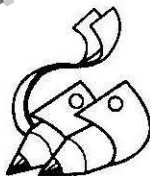
طُرفه ز طَرَفِ دگر زرافشان

حکیم نظامی گنجه‌یی

نثره

(مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی)

نویسنده: طاهر طالبی



نشر دستور

شماره شابک: ۷-۶۱-۶۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸

سرشناسه:	طالبی، طاهر، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور:	نثره (مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی) / نویسنده طاهر طالبی.
مشخصات نشر:	مشهد: نشر دستور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۲۵۲ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست:	مجموعه داستانهای فارسی؛ ۲۶.
شابک:	978-622-6727-61-7
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	داستانهای کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	Short stories, Persian -- 20th century
رده بندی کنگره:	PIR۸۳۵۲
رده بندی دیویی:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۸۹۹۰۳۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیا



نشر دستور

● نثره (مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی)

● طاهر طالبی

● نوبت چاپ: اول ● پاییز ۱۴۰۱ ● قطع: رقعی (۲۵۲ صفحه)

● شمارگان: ۲۰۰ جلد ● قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

● واژه نگاری: مؤسسه تایپ و تکثیر بیژن (بخش اول)، نازنین برومند (بخش دوم)

● طرح جلد: فؤاد عبدی ● چاپ و صحافی: سپنتا

● شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۷-۶۱-۷

● حق چاپ محفوظ است

● نشانی مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵ تلفن: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷

پیام نگار: dasturpress93@gmail.com ● نشانی وبگاه: dasturpress.com

آنچه در این کتاب می خوانیم:

عنوان	صفحه
عزم حرکت به رزم	۸
پیشگفتار	۱۱
تقدیم نامه	۱۴
به نام یزدان پاک	۱۷
حکایت تالار پذیرایی در ییلاق شهر	۲۰
حکایت داروخانه‌یی که پزشک داشت	۲۲
حکایت بانگ بی وقت کی عافیت شود	۲۵
حکایت خانم نجوالاشیدایی و شوهرش	۲۷
حکایت عروس پری پیکر و فری	۲۹
حکایت مرد نصرانی	۳۲
حکایت هشت سال دفاع مقدس	۳۴
حکایت طعنه گل به گل	۳۹
حکایت جادو و جادو	۴۱
یادی از زادگاهم، شهر اردبیل	۴۹

- ۶۱ حکایت متهم فراری
- ۶۳ حکایت هیوا با کدخدا
- ۶۶ حکایت مایک پمپنو
- ۷۰ حکایت قاچاق پرندگان
- ۷۱ حکایات گوناگون از ویروس کرونای بدشگون
- ۷۴ حکایت تک فرزندی
- ۷۷ حکایت ستاره شامگاهی و صبحگاهی
- ۸۰ حکایت دختر خوشگویی از زادگاه من
- ۸۶ حکایت سفر به کره ماه
- ۹۱ حکایت انتظار در حوایج
- ۹۶ حکایت کثیف و لطیف
- ۱۰۱ حکایت پسر عجیب و نجیب
- ۱۰۴ حکایت پسر دانا و کانا
- ۱۰۸ حکایت دبیر بناور
- ۱۱۳ حکایت رئیس پاسگاه
- ۱۱۶ حکایت ایثارگر
- ۱۱۸ حکایت در زمان ویروس کرونا
- ۱۲۰ حکایت چنگ مریم
- ۱۲۴ حکایت پرستار محبوب و محبوب
- ۱۲۷ حکایت سامانه ملی املاک و اسکان
- ۱۲۹ حکایت پزشک مدافع سلامت

- ۱۳۲ حکایت اردبیل در زمان ریزش بهار نارنج.
- ۱۳۶ حکایت زوجهای جوان نابارور
- ۱۳۸ حکایت خانم فالبین
- ۱۴۰ حکایت مادر من
- ۱۴۲ حکایت سروری
- ۱۴۴ حکایت هوشیاری مادر زن من
- ۱۴۷ حکایت زر سارا
- ۱۴۹ حکایت مادموازل مونیکا
- ۱۵۲ حکایت سال گاو
- ۱۵۵ حکایت دختر کدخدل
- ۱۵۸ حکایت بیکاری علت هر ذلت است
- ۱۶۰ حکایت دختر گلگونه
- ۱۶۳ حکایت دختر طنّاز
- ۱۶۶ حکایت هویج فرنگی
- ۱۶۹ حکایت دختر روستایی
- ۱۷۰ حکایت تاجر شکر
- ۱۷۳ حکایت شیر بشیر و نصیر
- ۱۷۵ حکایت میترا فرشته نگهبان راستی و عهد و پیمان
- ۱۷۹ حکایت دنیا با دیا
- ۱۸۲ حکایت دولب باروتی
- ۱۸۶ حکایت مینا

پیشگفتار

دختر دوشیزه در مسیر مدرسه با نعمت با حشمت و نعمت با حکمت و زینت وقت سحر بر بید مجنون بوسه دهد. باد صبا در باغ برای یک سپاه زاغ فریاد زند سبحان الله از این داغ سیاه و دختر چشم سیاه، چنین حکایت کرد مرا: شبی در بوستان از میان دوستان قدیم یکی ندیم من بود با محبت دیدار کردم حاصل زیر میزی^۱ بجای سخاوت در دامنش پنهان کرد. محنت در پیراهنش فراوان دارد. گفتم از مروت نشانی در صورتش نیست و وفایی به نیازمندان از ثروت آه بیماران بقایی نباشد. این بار تیمار برای بیمار نباشد. از دامن رواج تا گریبان صباح با تدبیر کار و بار با رواج نگشاید بلکه به مدبر رسی.

گفتا طریق و روش روشن چیست تا به حریق نرسم. گفتم عقل را بگشا از ماهر ویان با جمال تر از شاهدان با کمال تر و از مشتری با اعتدال تر کتاب «کاسه درویشان» و «فریاد من و سنبله» را مطالبه سپس مطالعه کن از شب غاسق به صبح صادق می رسی بعد از آن به سنبله صعود می کنی مسعود می بینی از آنجا به

۱- گروهی از پزشکان علاوه بر تعرفه قانونی مبلغی پول نقد به عنوان زیرمیزی جراح روشن می کنند باور کن حلقه های جوشن را پاره می کند یاور و داور کیست؟

کره زمین نگاه کنی گیتی^۱ را در پگاه پر از طراوت، لطافت، خوش روا و خوش لقا دانی در میان فوران قطره شبم در گیاهان معطر خورشید درخشید شب عبوس در تبسم آمد و باد سحر در تنسم. از جنبش نسیم بهاری بهار نارنج در درخت نارنج طنّازی و بازی دارد به همین سبب گروهی از خو برویان پیروان ارسطو از پرندگان پرستو با پرستاران و پزشکان برخاستند بهار نارنج خواستند خود را با آن بیاراستند از وی دوائی، شفایی و شیدایی طلبیدند مشاهده کنی دانا و توانا شوی. چون شنید بر دامنم پر از ساقه نعناع و شاخه خیزران و ریحان با ثنا نثار کرد. دل را با دوبیت شعر برایش ایثار کردم:

به چه کار آیدت ز گل طبیعی از گلستان من ببر ورقی
گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد^۲
من نیز برای خرمی باغستان و نخلستان نویسنده کتاب «نثره» هستم. باد پاییزی، طوفان و چشم حسود و یهود بر ورق زرین آن با شیوه طهارت و با دروغ مصلحت غارت نباشد میوه ربیعی همیشه طبیعی و شیرین باشد مانند رطب طیب خوشه خوشه از نخیل آویزان است چشم بخیل کور شود. ناظران و حاضران نیمه شب دست اتاب به امید اجابت به درگاه خداوند متعال بردارند در حاجت برای حاجب، فقیر و غنی راز و نیاز با کرامت باز است توفیق و رفیق رقیق و فرهنگ اسلامی بطلبند. انسان با احسان کم و بیشتر یار موافق باشد و ارادت صادق نه بار سلطان را با منت بکشد به امید آن که به جنت برود متاز، مناز

۱- گیتی دختر ته تغاری، شبنم فرزند بزرگ، نسیم عروس و بهار نارنج نوه ارشد من است. به همگی خانم و نرگس شهلا تعلق دارد از گروه فرشتگان پاک زمین هستند.

و مشتاب که مقصد مقصود بر فرش معقود در عرش مفقود شود بسوی شیطان
ببرند مگر با توبه شفاعت و عنایت بطلبی گناه تو در داخل بوته و گیاه بسوزد دود
آن دودمان ظالمین را خفه کند.

باقی بوی خوش گل و نغمه بلبل بادهٔ تقلبی است در دست ساقی سبوسبو
مانده با بهانه و حنانه پشیزی ندهند. در پایان: کُونُوا قَوْمًا صٰیِحَٰ بِهٖم فَاتَّبِعُوْهُۙۑ تَابٰن
شوید. الحمد لله رب العالمین

طاهر طالبی ۱۳۹۹/۶/۳۱ ه.ش.

آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ ش.)

www.ketab.ir

۱- چنان باشید که به یک فریاد بیدار شوید نهج البلاغه ص ۳۷۴ ما با هزار فریاد و نعره بیدار و
هوشیار نخواهیم شد.